

• درآمد

سید علی حسینی یکی از اعضای پیشین کادر رهبری جنبش امل، در سال ۱۹۶۲ میلادی زمانی امام موسی صدر برای دیدار با شیعیان بقیع و ایراد سخنرانی در مسجد امام علی (ع) شهر هرمل در شمال شرقی لبنان به این منطقه آمد، با امام صدر آشنا شد. پدر حسینی بنیانگذار و متولی مسجد امام علی (ع) یکی از روحانیون سرشناس منطقه بوده و با امام موسی صدر روابط نزدیک داشته است. امام صدر در آن بره هر چند مدت یکبار از مناطق محروم لبنان به ویژه مناطق شیعه نشین بازدید می کرد. منطقه هرمل نیز یکی از مناطق محروم و دور افتاده لبنان می باشد که اکثریت جمعیت آن را شیعیان تشکیل می دهند.

آقای حسینی در سال ۱۹۶۸ عازم شهر صور در جنوب لبنان شد تا تحصیلات خود را در دبیرستان جعفریه این شهر ادامه دهد. او فعالیت های فرهنگی و سیاسی خود را در سن جوانی در مجموعه امام صدر آغاز کرد، و در پی تأسیس مجلس اعلای شیعیان لبنان، و نیز تأسیس جنبش امل در سال ۱۹۷۴ روابط او با امام موسی صدر بیش از پیش گسترش یافت. آنگاه سید علی حسینی به جنبش امل پیوست، و به یکی از عناصر پیشستاز آن در آمد. پس از ناپدید شدن امام موسی صدر در سال ۱۹۷۸ میلادی و گسترش دامنه و پایگاه مردمی جنبش امل، آقای حسینی مسئولیت شاخه دانشجویی جنبش امل در مناطق بقیع و بیروت را بر عهده گرفت، سپس در همان سال مسئولیت امور دانشجویان دانشگاه آمریکایی بیروت بر عهده او واگذار گردید. در پی برگزاری کنگره عمومی سراسری جنبش امل در سال ۱۹۸۴، حسینی به عضویت کمیته مرکزی دانشجویان شاخه جنبش امل برگزیده شد، و دیری نپایید که در سال ۱۹۸۶ مسئولیت سازماندهی تشکیلات مرکزی جنبش امل را بر عهده گرفت، و این مسئولیت را تا سال ۱۹۸۸ ادامه داد. در اواخر سال ۱۹۸۷ اختلافات فکری و سیاسی دربارۀ شیوه مبارزه با رژیم صهیونیستی و محرومیت زدایی از جامعه شیعیان لبنان، جنبش امل را فرا گرفت و حسینی به همراه تعدادی از کادرهای ارشد جنبش امل از این تشکیلات منسحب شد، و راه مستقلی در پیش گرفت. نظر به شناختی که سید علی حسینی از اوضاع و تحولات نیم قرن گذشته لبنان به ویژه مبارزات خستگی ناپذیر شهید حاج عماد مغنیه دارد، شاهد یاران با ایشان گفت و گوی اختصاصی جامعی انجام داده که باهم می خوانیم:



بررسی نقش های سازنده و مؤثر حاج عماد مغنیه در تحولات سه دهه گذشته
لبنان در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با سید علی حسینی

شهادت حاج رضوان خسارت جبران ناپذیر برای مردم لبنان بود...

وجود ندارد، ولی بر این باورم که شهید حاج عماد مغنیه از دوران جوانی و قبل از تأسیس جنبش امل و حزب الله یک انسان مقاوم و ظلم ستیز بود. همیشه از آرمان محرومان و مستضعفان لبنان و منطقه دفاع می کرد. با جنبش مقاومت فلسطین همکاری داشت. هنگامی که لبنان به اشغال اسرائیلی ها درآمد، حاج عماد مغنیه با همکاری سایر برادران انقلابی به مقاومت بر ضد اشغالگران برخاست. او به طور مستقل و نه سازمان یافته عمل می کرد. در آن مرحله هنوز حزب الله تأسیس نشده بود. ولی به طور تأکید حاج عماد با روش های گوناگون در عملیات مقاومت نقش فعال داشت. در برابر تجاوزگری اسرائیل و پیامدهای آن از جمله استقرار نیروهای بیگانه در لبنان مقاومت کرد.

حاج عماد مغنیه در چه سالی به عنوان یک شخصیت مقسام و هماهنگ کننده عملیات ضد صهیونیستی مطرح شد؟

نام حاج عماد مغنیه پس از ربه شدن هواپیمای مسافربری آمریکایی (TWA) در سال ۱۹۸۵ مطرح شد. تا آن موقع تعداد اندکی او را می شناختند. آمریکایی ها مدعی شده بودند، در پی تحقیقاتی که برای شناسایی ربایندگان هواپیمای انجام داده اند، حاج عماد مغنیه را یکی از عاملان هواپیمای ربایی معرفی کردند.

اصولاً شیوه کار و فعالیت های حاج عماد مغنیه در آن مرحله نامرئی بود. جز تعداد اندکی از جوانان انقلابی هیچ کس از روش کار او اطلاع نداشت. نباید فراموش کرد که نام عماد مغنیه به عنوان یکی از همکاران گروه هایی که در آن مرحله خود را عضو «سازمان جهانی جهاد اسلامی» معرفی می کردند مطرح گردید. این یک سازمان مستقل بود و هیچ ارتباطی به حزب الله

سیاست گذاری های دولت لبنان داشت؟
عملیات شهادت طلبانه و انهدام پایگاه های نیروهای دریایی آمریکا و فرانسه در لبنان، و نیز سفارت آمریکا در بیروت، نیروهای چند ملیتی را وادار کرد از لبنان فرار کنند. نیروهای آمریکا، فرانسه، انگلیس و ایتالیا با استقرار در لبنان تصمیم داشتند جایگزین نیروهای اسرائیلی شوند. چرا که اسرائیلی ها در پی ضربات کوبنده مقاومت به ناچار از بیروت عقب نشینی کرده بودند. شکی نیست

شیوه فعالیت های حاج عماد مغنیه در آن مرحله نامرئی بود. جز تعداد اندکی از جوانان انقلابی هیچ کسی از روش کار او اطلاع نداشت. نام او به عنوان یکی از همکاران گروه هایی که در آن مرحله خود را عضو «سازمان جهانی جهاد اسلامی» معرفی می کردند مطرح گردید. این سازمان هیچ ارتباطی به حزب الله و جنبش امل نداشت.

که این عملیات نه فقط سیاست گذاری ها و برنامه های دولت لبنان را نقش بر آب کرد، بلکه معادلات بین المللی و منطقه ای را نیز به هم ریخت.

رسانه ها و محافل غربی مدعی بودند که این عملیات شهادت طلبانه توسط شهید عماد مغنیه برنامه ریزی و به اجرا گذاشته شد. این ادعاها تا چه اندازه واقعیت دارد؟

بی تردید درباره این موضوع اطلاعات موثق و مستندی

رژیم صهیونیستی برای تحقق اهداف خاصی از جمله تحمیل سازش بر لبنان و جلوگیری از عملیات مقاومت در سال ۱۹۸۲ به این کشور حمله کرد. تداوم عملیات مقاومت چه تأثیری بر عملکرد دولت و تداوم نظام سیاسی لبنان داشت؟

زمانی که اسرائیل به لبنان حمله کرد، کشورمان گرفتار جنگ های داخلی بود. مناطق شرقی و غربی بیروت از هم جدا شده بودند. در آن برهه اختیارات دولت و نظام سیاسی فقط در انحصار رئیس جمهوری قرار داشت. اسرائیلی ها به منظور تحمیل خواسته های خود بر لبنان یک رئیس جمهوری دست نشانده به نام بشیر جمیل بر مسند قدرت نشاندند. ولی چند هفته نگذشته بود که این رئیس جمهوری توسط یک انقلابی لبنانی به نام حبیب الشرتونی عضو «حزب سوری قومی اجتماعی لبنان» به قتل رسید، و آنگاه برادرش امین جمیل به ریاست جمهوری انتخاب شد.

اسرائیل پس از گذشت یکسال از اشغال لبنان، روز هفدهم ماه مه سال ۱۹۸۳ موافقتنامه سازش بر کشورمان تحمیل کرد. دولت لبنان به موجب این موافقتنامه قرار شد رژیم صهیونیستی را برسمیت بشناسد، و میان طرفین روابط دیپلماتیک برقرار شود. این موافقتنامه به تصویب پارلمان و ریاست جمهوری لبنان نیز رسید، ولی در پی قیام همگانی مردم در روز ششم فبریه سال ۱۹۸۳ رئیس جمهوری ناگزیر شش بندهای سیاسی این موافقتنامه را لغو کند. اما اسرائیل همچنان به اشغال لبنان ادامه داد تا اینکه رزمندگان مقاومت اسلامی، آن رژیم را به عقب نشینی از لبنان وادار کردند.

عملیات شهادت طلبانه برضد مراکز و پایگاه های نیروهای چند ملیتی و سفارت آمریکا چه تأثیری بر



طور مستقل عمل کرد. تا اینکه حزب الله شکل گرفت و به آن پیوست.

در حل و فصل درگیری ها و کشمکش ها میان جنبش امل و جنبش مقاومت فلسطین چه نقشی ایفا کرد؟

نظر به اینکه حاج رضوان یک شخصیت مسلمان و متعهد بود و جنبش امل را یک جنبش اسلامی می دانست، می کوشید نقش میانجی برای حل اختلافات داشته باشد. بی تردید او همگام با برخی از مبارزان نقش مثبت و ارزشمندی در حل اختلافات و درگیری ها در صحنه جنوب لبنان ایفا کرد.

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی در پی شهادت حاج عماد مغنیه پیام تسلیت مهمی فرستادند، و یک هیئت بلند پایه ایرانی در مراسم تشییع این فرمانده شرکت کرد. این پیام و این حضور چه بازتابی در لبنان داشت؟

مقام رهبری و مسئولان جمهوری اسلامی از دستاوردهای حاج عماد مغنیه به ویژه آزادسازی



جنوب لبنان آگاهی کامل دارند. آقای سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله نیز به دستاوردهای حاج عماد مغنیه اشاره کرده و او را قهرمان دو پیروزی بزرگ معرفی کرد. یکی پیروزی سال ۲۰۰۰ و خروج آخرین نظامی اسرائیل از جنوب لبنان، و پیروزی دوم، پیروزی در جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ بود. رهبری جمهوری اسلامی ایران ارزش این دستاوردها و ابعاد شخصیت حاج عماد مغنیه و نقش او در مقاومت اسلامی را خوب می شناسد. نقش حاج عماد در مقاومت ضد صهیونیستی بسیار بزرگ و بی نظیر بود.

با شناختی که از روند مبارزه با دشمن صهیونیستی دارید، و لبنان همچنان با تهدیدهای اسرائیل مواجه است، خسارت از دست رفتن حاج عماد را چگونه ارزیابی می کنید؟

به عقیده من فرماندهی و رهبری، به نوعی «ملکه» است. برخی از انسان ها از دوران کودکی، استعداد و توانمندی های خارق العاده دارند، از امتیازات و ویژگی خاصی برخوردارند. این مهارت و توانمندی اکتسابی نیست. حاج عماد از دوران کودکی «ملکه» فرماندهی را داشته است. برخی از همکلاسی های او در دوره متوسطه گفته اند که حاج عماد دانش آموزی فعال، پر جنب و جوش، مبتکر و ماهر بوده است. این شایستگی ها را از سن کودکی داشته است. شکی نیست که هرگاه رهبران یا فرماندهانی همچون عماد مغنیه به شهادت می رسیدند و از دست می روند، شکاف بزرگی در جامعه از خود بر جای می گذارند. شهادت عماد مغنیه خسارت جبران ناپذیری برای جامعه لبنان و جنبش مقاومت اسلامی بود. این خسارت جبران نمی شود، مگر اینکه افرادی در حجم و سطح او ظهور کنند و جایگزین او شوند.

و جنبش امل نداشت. **عماد مغنیه در چه سالی به حزب الله پیوست و به عنوان یکی از فرماندهان مقاومت به وظیفه ملی اش**

برای آزادسازی جنوب عمل کرد؟

همه لبنانی ها آگاهند که حاج عماد مغنیه در مبارزه با رژیم صهیونیستی سابقه دیرینه داشته، و پیش از تأسیس حزب الله و جنبش امل، با جنبش فتح و سازمان آزادی بخش فلسطین همکاری می کرده است. او آدم صاحب نظر و اندیشمند و بر مبنای اعتقادات دینی با دشمنان پیکار می کرده است. زمانی که با مقاومت فلسطین همکاری داشت، اصول و موازین شرعی را به شدت رعایت می کرد. هنگامی که جنبش امل تأسیس شد، هیچ مسئولیتی در این جنبش نپذیرفت، ولی با تأسیس حزب الله به این حزب پیوست و احساس کرد گمشده خود را در این حزب یافته است.

به هیچ نام و عنوانی در جنبش امل عضویت نداشت؟

گروهی که با حاج عماد مغنیه همکاری می کرده اند در جنبش امل عضویت داشتند. ولی حاج عماد هیچ مسئولیت سازمانی در جنبش امل نداشت. زیرا مسئولان جنبش امل نسبت به افرادی که سابقه همکاری با مقاومت فلسطین داشتند، حساسیت نشان می دادند. حاج عماد مغنیه یکی از مبارزان فعال آن مرحله بود و با برخی از کادرهای نظامی جنبش امل همکاری و همفکری داشت. زمانی که بین جنبش امل و جنبش مقاومت فلسطین در نتیجه اشتباهات فلسطینی ها درگیری های خونین روی داد، حاج عماد مغنیه به جنبش امل نزدیک شد، و به

ما مرگ را حق می دانیم. انسان هایی که زندگی و جان خود را وقف مبارزه کرده اند روزی از این دنیا می روند. ولی حاج عماد مغنیه در زمان حیات خود فرماندهان شجاع، شایسته و توانمندی را به وجود آورد که اکنون راه او را ادامه می دهند، تجربه و راهکار او را در پیش گرفته اند. شاید در آینده تجربه او را گسترش دهند. اما به هر حال شهادت حاج عماد مغنیه خلأ بزرگی در روند مبارزه به وجود آورد.

علت بروز اختلافات در جنبش امل و انشعاب شما چه بوده است؟

بروز اختلافات دو علت داشت. جنبش امل با هدف تحقق دو آرمان استراتژیک تأسیس شده است. آرمان نخست محرومیت زدایی و توسعه مناطق محروم لبنان بدون در نظر داشتن گرایشات و وابستگی های طایفه ای مناطق محروم می باشند. ولی نظر به اینکه شیعیان بیش از سایر طوایف در محرومیت بسر می بردند، و مناطق سکونت آن ها بیش از سایر مناطق در محرومیت قرار داشت. جنبش امل در درجه اول محرومیت زدایی را روی مناطق شیعه نشین بقاع و جنوب لبنان متمرکز کرد.

آرمان دوم تأسیس جنبش امل، مقابله با تجاوزگری های پی در پی رژیم صهیونیستی به لبنان بود. جنبش امل برای رویارویی با این تجاوزگری ها لازم بود به مسئولیت اصلی خود عمل نماید. زیرا برای تحقق این خواسته شاخه نظامی «گردان های مقاومت لبنان را به وجود آورده بود. ولی من به همراه مرحوم حاج زکریا حمزه و آقایان مصطفی دیرانی و شیخ ادیب حیدر و احمد حرب و سید نجیب خلف و برخی دیگر از کادرهای رهبری جنبش امل در پی بازنگری عملکرد جنبش امل به این نتیجه رسیدیم که این جنبش، مقابله با تجاوزگری های

حاج رضوان از دوران کودکی از «ملکه» فرماندهی برخوردار بود. برخی از همکلاسی های او گفته اند که حاج عماد دانش آموزی فعال، پر جنب و جوش، مبتکر و ماهر بوده است. این شایستگی ها را از سن کودکی داشته است.



آوردن سازمان موازی نیست. ولی رهبران جنبش با این پیشنهاد به شدت مخالفت کرده و آن را نشانه دوگانگی در وابستگی فکری و سازمانی مان عنوان کردند.

در این میان برخی از رهبران جنبش اهل اعلام کردند که افراد پیشنهاد دهنده و اصلاح طلب، هم می‌خواهند بخشی از جنبش اهل باشند و در عین حال می‌خواهند از جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله طرفداری کنند. ما این ادعاها را به شدت رد کردیم، و گفتیم که هدفمان اجرای دقیق اساسنامه جنبش اهل می‌باشد. می‌خواهیم اهداف و برنامه‌های ملی مان را اجرا کنیم، اگر با حزب‌الله درباره ضرورت رویارویی با اسرائیل هم‌عقیده هستیم، نشانگر طرفداری از حزب‌الله نیست. همفکری با حزب‌الله در زمینه رویارویی با اسرائیل برای ما افتخار آفرین است. رویارویی با اسرائیل بخشی از اساسنامه جنبش اهل را تشکیل می‌دهد. ولی رهبری جنبش دیدگاه‌های ما را قبول نداشت و تصمیم گرفت ما را از جنبش اخراج کند. در پی این اقدام، فعالیت‌های خویش را به طور مستقل و در چارچوب مقاومت مؤمنه روی مقابله با اسرائیل متمرکز کردیم. زیرا من یکی از بنیانگذاران و یکی از اعضای شورای فرماندهی مقاومت مؤمنه بودم. مسئولیت بخش‌های سیاسی و اطلاع رسانی جنبش مقاومت مؤمنه را بر عهده داشتم. ولی مسئولیت فرماندهی عملیات نظامی را برادران دیگری بر عهده داشتند.

در آن مرحله که در جنبش اهل مسئولیت داشتید، لبنان شاهد تحولات سرنوشت سازی بود و با رژیم صهیونیستی موافقتنامه سازش امضا کرد. موضع تان با این رویکرد سیاسی دولت مارونی لبنان چگونه بود؟ موافقتنامه سازش با رژیم صهیونیستی روز ۱۷ مه سال ۱۹۸۳ به امضا رسید. کادر رهبری جنبش اهل در آن برهه با این موافقتنامه مخالفت کرد، و تلاش‌های دامنه داری را برای لغو آن به عمل آورد. جنبش اهل با انتشار جزوه‌ای پیامدهای زیان بخش این موافقتنامه را

هرگاه رهبرانی یا فرماندهانی همچون عماد مغنیه به شهادت برسند و از دست بروند، شکاف بزرگی در جامعه بر جای می‌گذارند. شهادت عماد مغنیه خسارت جبران ناپذیری برای جامعه لبنان و جنبش مقاومت اسلامی بود، و این خسارت جبران نمی‌شود، مگر اینکه افرادی در حجم و سطح او ظهور کنند و جایگزین او شوند.

برای افکار عمومی تشریح کرد. موافقتنامه مزبور عملاً در سال ۱۹۸۴ در نتیجه قیام همگانی مردم لبنان که به «انتفاضه ششم فربه شهرت داشت لغو گردید. میان رهبری جنبش اهل در زمینه ضرورت مقابله با موافقتنامه ننگین ۱۷ مه اتفاق نظر وجود داشت. حزب‌الله و بیشتر احزاب ملی لبنان نیز مخالف اعضای موافقتنامه سازش با اسرائیل بودند.

در حقیقت نشانه‌های اختلافات درونی در جنبش اهل در سال ۱۹۸۷ بروز کرده بود. اگرچه مشکلاتی از قبل وجود داشت، ولی این مشکلات از طریق گفت‌وگو داخلی حل و فصل می‌شد. در پی سخنان مشهور آقای



غیر قابل توجه دانستیم. همدستان در درجه اول اصلاح عملکرد جنبش اهل بود؟

در حقیقت راهکارمان در درون جنبش اهل اصلاح گرایانه بود. آرزو داشتیم شاخه نظامی جنبش و گردان‌های مقاومت مؤمنه توانمند باشند. برای عملیات مقاومت اولویت قایل باشیم. ولی جنبش اهل در آن مرحله به سیاسی کاری روی آورده بود. تعدادی از شخصیت‌های جنبش اهل که وارد کابینه لبنان شده بودند، ترجیح می‌دادند. همه‌گونه کارها و تلاش‌ها از کانال دولت و کابینه انجام شود. در حالی که پیکار انقلابی و جنبشی، با کارهای رسمی و دولتی منافات دارد. کار دولتی اقتضا می‌کند که یک جنبش همه اسرار و اماکن استتقار و پایگاه‌های خود را به آگاهی دولت برساند. به تعبیری همه امکانات و اسرار خود را فاش کند. این رویکرد با اهداف و برنامه‌های یک جنبش انقلابی مطابقت ندارد. یک جنبش انقلابی باید پنهان کاری و اسرار خود را حفظ کند. تا آسیبی به آن وارد نشود.

البته پیش از انشعاب یک راه حل میانه ارائه دادیم. به رهبری جنبش اهل اعلام کردیم که مانعی برای اجرای برنامه‌های سیاسی جنبش در چارچوب اساسنامه و در زمینه محرومیت زدایی و برقراری عدالت اجتماعی وجود ندارد. همچنین پیشنهاد کردیم که شاخه نظامی جنبش در حوزه مقاومت و رویارویی با تجاوزگری اسرائیل مستقل بماند. ولی برخی از کادرهای رهبری این پیشنهاد را نوعی تجزیه طلبی و ایجاد شکاف در درون جنبش عنوان کردند. ما به آنان گفتیم که با این پیشنهاد می‌خواهیم شاخه نظامی و گردان‌های مقاومت را مصون بداریم. هدفمان انشعاب و به وجود

اسرائیل را از اولویت برنامه‌های سیاسی و نظامی خود خارج کرده است. به همین دلیل در سال ۱۹۸۷ همکاری با جنبش اهل را متوقف کردیم.

سید حسین موسوی (ابو هشام) نیز همراه شما از جنبش اهل منشعب شد؟

خیر، ابو هشام در سال ۱۹۸۲ و پس از یورش اسرائیل به لبنان از جنبش اهل جدا شد، و جنبش اهل اسلامی را تأسیس کرد که در پی تأسیس جنبش اهل اسلامی، هسته‌های حزب‌الله نیز از درون این جنبش شکل گرفتند. این اولین انشعابی بود که در جنبش اهل روی داد، و در نتیجه آن برخی از کادرهای رهبری از آن جدا شدند، و حزب‌الله را به وجود آوردند. من در آن برهه در جنبش اهل حضور فعال داشتم، و با همکاری برادران یاد شده در صدد بودیم در درون جنبش اهل به اصلاحاتی دست بزنیم، و در برنامه‌ها و راهکارهای آن تجدید نظر کنیم، ولی به علت اصرار رهبری جنبش مبنی ادامه خط مشی خود، موفق نشدیم، و سرانجام تصمیم گرفتیم از جنبش کناره‌گیری کنیم. رهبری جنبش اهل نیز در سال ۱۹۸۸ در واکنش به کناره‌گیری مان، با انتشار بخشنامه داخلی اعلام کرد که من و افراد یاد شده را از جنبش طرد کرده است. در پی این تصمیم افراد بسیاری از اعضا و رزمندگان و هواداران جنبش اهل به ما پیوستند.

آیا در پی این انشعاب بود که جنبش مقاومت مؤمنه را به وجود آوردید؟

خیر مقاومت مؤمنه بخشی از شاخه نظامی جنبش اهل بود و اطاق عملیاتی و فرماندهی «گردان‌های مقاومت لبنان را بر عهده داشت.

پس از انشعاب از جنبش اهل هیچ تشکیلاتی را به وجود نیاوردید؟

خیر... به این دلیل که ما خود را کادرهای اساسی جنبش اهل اصلی می‌دانستیم، و با هرگونه انشعاب مخالف بودیم. بر مبنای دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی خود به پیشبرد اهداف و برنامه‌های شاخه نظامی جنبش اهل گام برداشتیم. در پی این انشعاب برخی فرماندهان و رزمندگان شاخه نظامی مقاومت مؤمنه به ما پیوستند و کار رویارویی با تجاوزگری‌های مستمر اسرائیل به جنوب لبنان و تلاش برای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی جنوب را از سر گرفتیم.

این انشعاب چه تأثیری بر روند حرکت و موجودیت جنبش اهل داشت؟

این کناره‌گیری از انشعاب نمی‌نامم. مسئولان جنبش اهل به علت دیدگاه‌ها و باورهای مترقیانه مان، ما را از جنبش اخراج کردند. این اقدام را در آن مرحله غیر قانونی و



فرجه کریمی بری جنیلاط

اجرای اصلاحات در قانون اساسی بود. زیرا سه طرف اصلی امضا کننده این موافقتنامه نقش اساسی در ادامه جنگ و بحران لبنان داشتند.

به هر حال در زمانی که در تهران بسر می‌بردیم بار دیگر درباره تأیید و یا عدم تأیید موافقتنامه سه جانبه دمشق، میان نمایندگان جنبش امل و حزب الله اختلاف نظر بروز کرد. در تهران از نمایندگان جنبش امل خواسته شد بیانیه‌ای منتشر کنند و موافقتنامه سه جانبه دمشق را رد نمایند. به برادران ایرانی گفتیم که این غیر ممکن است. ولی در نتیجه امضای موافقتنامه سه جانبه دمشق، موافقتنامه دو جانبه حزب الله و جنبش امل در تهران به حال تعلیق در آمد، و پس از بازگشت به بیروت جلسات بحث و گفت و گو را ادامه دادیم و به توافق رسیدیم چنانچه اختلافی درباره شیوه عمل مقاومت در جنوب بروز کند، آن را به مراجع دینی لبنان ارجاع دهیم تا آنان در این باره قضاوت کنند.

اساسنامه‌های جنبش امل و حزب الله تا حدودی با یکدیگر شباهت دارند، پس علت اختلافات میان دو جنبش بر سر چه مسائلی بوده است؟

در حقیقت زمانی که در شوروی رهبری جنبش امل و مقاومت مؤمنه حضور داشتم، همواره این دیدگاه را مطرح می‌ساختم. همواره گوشزد می‌کردم که اصل تأسیس جنبش امل توسط امام موسی صدر و اصل تأسیس حزب الله با هم متفاوت نیستند. شاید شرایط زمانی و مکانی اقتضا کرده که این دو جنبش تاکتیک‌شان و نه استراتژی‌شان را تغییر دهند. ولی برخی رهبران جنبش امل در آن مرحله بر خلاف این دیدگاه رفتار می‌کردند. ما جناح اصلاح طلب در شورای رهبری جنبش امل در موضوع لزوم تداوم مقاومت با برادران حزب الله همفکر و همعقیده بودیم. در حالی که با برخی کادرهای جنبش امل در خصوص این موضوع اختلاف نظر داشتیم.

درباره مشارکت سیاسی در دولت لبنان چه موضعی داشتید؟

در خصوص ورود به کابینه و مشارکت در تصمیم گیری‌های سیاسی، همواره بر لزوم مشارکت سیاسی شیعیان در حکومت لبنان تأکید می‌کردیم. در حالی که حزب الله در آن مرحله با هرگونه مشارکت سیاسی در کابینه و پارلمان مخالف بود. زیرا این نظام را مارونی و غیر قابل قبول می‌دانست. در برخی مسائل هم با رهبری جنبش امل اختلاف نظر داشتیم ولی با اصل ضرورت محرومیت زدایی و برقراری عدالت اجتماعی و تداوم مقاومت در برابر اسرائیل و لزوم آزادسازی سرزمین‌های اشغالی جنوب با حزب الله همعقیده بودیم.

اوضاع عمومی لبنان را در آن مرحله، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شکی نیست که لبنان همواره در معرض تجاوزگری‌های دشمن صهیونیستی قرار دارد. اسرائیل پیش از حمله گسترده سال ۱۹۸۲ به لبنان، چند بار به کشورمان حمله کرده و بخش‌های وسیعی از این سرزمین را اشغال کرده است. اولین بار در سال ۱۹۸۷ بخشی از جنوب لبنان را تا رودخانه لیتانی اشغال کرد و در پی این حمله قطعنامه ۴۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر شد، و به موجب آن از اسرائیل خواسته شد از جنوب لبنان عقب نشینی کند. اسرائیل از اجرای این قطعنامه خودداری کرد و سرزمین‌هایی به عمق ۱۰ تا ۳۰ کیلومتری جنوب را به بهانه حفظ امنیت شهرک‌های یهودی نشین

مقابل ما در رهبری جنبش امل این موضع گیری را به نفع حزب الله تعبیر کرد. از ما خواستند در همه امور خیر و شر با کادر رهبری جنبش هم‌گام و هم‌فکر باشیم. مطیع بی‌قید و شرط رئیس جنبش امل باشیم. به آنان گفتم که ما از حق طرفداری می‌کنیم. اگر حق با حزب الله است از آن دفاع خواهیم کرد و اگر حق با جنبش امل است. از این جنبش دفاع می‌کنیم. ولی با هرگونه درگیری مخالف هستیم.

در آن مرحله برای رسیدگی به اختلاف نظرها میان حزب الله و جنبش امل و حل فصل منطقی آن‌ها، با میانجیگری مسئولان جمهوری اسلامی ایران یک کمیته مشترک تشکیل دادیم. بنده و آقایان مصطفی دیرانی و شیخ ادیب حیدر و عاطف عون از جنبش امل در این کمیته عضویت داشتیم.

از حزب الله چه کسی در این کمیته عضویت داشت؟
از حزب الله آقایان سید ابراهیم امین السید، رئیس کنونی شورای سیاسی حزب الله و حسین الخلیل معاون سیاسی دبیر کل حزب الله و محمد فینش وزیر کنونی نفت لبنان در این کمیته عضویت داشتند. اعضای این کمیته در وزارت امور خارجه ایران در تهران چند دور جلسه تشکیل داده و در زمینه ضرورت تداوم عملیات مقاومت ضد صهیونیستی موافقتنامه‌ای امضا کردند. همزمان با



حسین حسینی رئیس وقت جنبش امل در مراسم نهمین سالگرد ناپدید شدن امام موسی صدر که روز ۳۱ اوت سال ۱۹۸۷ در شهر صور در جنوب لبنان برگزار گردید، اختلاف ریشه‌های جنبش امل را فضا گرفت. من در آن مقطع تاریخی کنفرانس مطبوعاتی تشکیل دادم و اعلام کردم که اظهارات حسین حسینی بیانگر دیدگاه‌های جنبش امل نیست، و دیدگاه‌های شخصی اوست. ولی در آوریل ۱۹۸۸ و در پی بروز مشکلات و درگیری‌های خونین بین جنبش امل و حزب الله در جنوب لبنان با این درگیری‌ها به شدت مخالفت کردم. بسر این باور بودم که هرگونه تنش و درگیری بین دو جناح شیعه لبنان باید از طریق گفت‌وگو حل شود. بسا اخراج حزب الله و مقاومت اسلامی از جنوب لبنان به شدت معترض بودم. هنگامی که این درگیری‌ها آغاز شد و کادرهای سیاسی حزب الله از جنوب لبنان اخراج شدند، با این برخورد به شدت اعتراض کردم. رهبری جنبش امل این اعتراض را نشانگر طرفداری و تأیید حزب الله و به زیان جنبش امل تلقی کرد. به آنان گفتم اینطور نیست. من با هرگونه درگیری مخالف هستم، زیرا مسئله حفظ و تداوم جنبش امل برای همه مردم حایز اهمیت است. مقاومت بخشی از اهداف و آرمان‌های ملی و دینی جنبش امل را تشکیل می‌دهد.

علت درگیری‌های جنبش امل و حزب الله بر اثر دخالت بیگانگان بوده است؟

گمان نمی‌کنم که بر اثر دخالت محافل خارجی بوده است. جنبش امل و حزب الله به طور مشترک در صحنه لبنان فعالیت دارند. مناطق شیعه نشین جنوب و بقاع و بیروت حوزه فعالیت‌های آن دو جنبش را تشکیل می‌دهد. جنبش امل از نظر روحی گمان می‌کرده که پیش‌تاز مبارزات شیعیان لبنان بوده و اکنون حزب الله به عنوان یک رقیب قوی و فعال در صحنه ظاهر شده است.

ما به عنوان جناح اصلاح طلب در شورای رهبری جنبش امل، در آن مرحله سعی کردیم دیدگاه‌های طرفین را به یکدیگر نزدیک کنیم. به سایر رهبران جنبش امل گفتیم که حزب الله اکنون به یک واقعیت تبدیل شده و باید آن را بپذیریم. بیایید با همکاری یکدیگر تلاش‌مان را روی تحقق دو هدف محرومیت زدایی و مقابله با تجاوزگری اسرائیل و آزادی جنوب لبنان متمرکز کنیم. در این زمینه میدان پیکار و رقابت باز است و هر کسی که مایل است در حوزه‌های یاد شده رقابت کند بفرماید. ولی جناح

ما به عنوان جناح اصلاح طلب در شورای رهبری جنبش امل، سعی کردیم دیدگاه‌های طرفین را به یکدیگر نزدیک کنیم. به رهبران جنبش امل گفتیم که حزب الله به یک واقعیت تبدیل شده و باید آن را بپذیریم. بیایید با همکاری یکدیگر تلاش‌مان را روی محرومیت زدایی و مقابله با تجاوزگری اسرائیل و آزادی جنوب لبنان متمرکز کنیم.

امضای این موافقتنامه در تهران، موافقتنامه دیگری در دمشق به عنوان «موافقتنامه سه جانبه میان نمایندگان احزاب عضو جنبش ملی لبنان به امضا رسید.

چه افراد و جریاناتی موافقتنامه دمشق را امضا کردند؟

آقایان نبیه بری رئیس جنبش امل، ولید جنبلاط رئیس حزب سوسیالیست ترقی خواه دروزی و ایلی حبیقه فرمانده گروه شبه نظامیان القوات اللبنانیه شاخه نظامی حزب فالانژ این موافقتنامه را امضا کردند. برخی از نمایندگان احزاب و سازمان‌های سیاسی مسلمان و مسیحی و تعدادی از سیاستمداران لبنانی هنگام امضای موافقتنامه سه جانبه حضور داشتند.

هدف از امضای این موافقتنامه چه بود؟
هدف اصلی آن توقف جنگ‌های داخلی در لبنان و

مقاومت برنامه‌ریزی و به اجرا گذاشته شد. گروه‌های جنگ پارتیزانی سازماندهی شدند. پس از گذشت شش ماه هسته‌های حزب‌الله به وجود آمد و عملیات مقاومت ابعاد تازه و نوین به خود گرفت، و با اجرای یک رشته عملیات شهادت طلبانه و کیفی راهش را ادامه داد.

چند ماه طول کشید تا مقاومت اسلامی توانست به صورت منظم عملیات ضد صهیونیستی را آغاز کند؟
از اولین لحظه‌ای که نظامیان دشمن به منطقه الدامور در ۱۵ کیلومتری جنوب بیروت رسیدند، عملیات مقاومت آغاز شد. تعدادی از سربازان اسرائیلی در مقابل مرکز آموزشی الزهراء (س) وابسته به امام موسی صدر واقع در منطقه خلده در ۱۰ کیلومتری جنوب بیروت کشته و یا اسیر شدند. در پی این عملیات پیشروی نظامیان اسرائیل به سمت بیروت از این محور بکلی متوقف شد. اسرائیلی‌ها ناچار شدند از طریق مناطق دروزی نشین و مسیحی نشین استان جبل لبنان به سمت بیروت پیشروی کنند، و در ماه سپتامبر وارد بیروت شوند. این نشان می‌دهد که اسرائیلی‌ها پس از گذشت چهار ماه از آغاز حمله به لبنان توانستند وارد بیروت شوند. بی‌تردید ورود اسرائیلی‌ها به بیروت کار آسان و ساده‌ای نبوده، و نتوانستند بیش از سه ماه در این شهر ماندگار شوند.

چه جریان‌اتی در عملیات مقاومت در منطقه الدامور شرکت داشتند؟

نیروهایی اصلی که در محور الدامور در برابر پیشروی سربازان اسرائیلی مقاومت کردند یکی از پایگاه‌های «گردان‌های مقاومت لبنان» وابسته به جنبش اصل در منطقه بودند. تعدادی از شبه نظامیان وابسته به برخی احزاب لبنانی و مقاومت فلسطین و سربازان سوریه نیز در رویارویی با اسرائیلی‌ها در این محور حضور داشتند. تعدادی از سربازان سوریه در این رویارویی‌ها به شهادت رسیدند. ولی برجسته‌ترین نیروهایی که در این درگیری‌ها مردانه جنگیدند، به جنبش اصل وابسته بودند. در این درگیری‌ها برای اولین بار تعدادی از تانک‌ها و جنگ افزارهای قابل استفاده اسرائیلی‌ها به غنیمت گرفته شد که در تاریخ جنگ‌های پیشین اعراب با اسرائیل سابقه نداشته است.

اسیران اسرائیلی چه سرنوشتی داشتند؟

نیروهای مقاومت به اجساد ۷ تن از سربازان اسرائیلی دسترسی پیدا کردند. ولی از سرنوشت آن‌ها خبری ندارم.

عملیات استشهادی در چه تاریخی آغاز شد؟

اولین عملیات شهادت طلبانه توسط شهید احمد قصیر در سال ۱۹۸۲ در شهر صور انجام شد. در این حمله مرکز فرماندهی نظامیان صهیونیست منفجر شد و حدود ۱۲۰ تن از افسران و درجه داران و کوماندوهای ارتش اسرائیل کشته شدند.

شهید احمد قصیر با چه گروهی همکاری می‌کرده است؟

در آن مرحله سرنوشت‌ساز بخش وسیعی از کادرهای مؤمن و متعهد درون جنبش اصل، پس از تشکیل «هیئت نجات ملی و بروز انشعاب در جنبش اصل، هسته‌های مقاومت را به وجود آوردند. شهید احمد قصیر یکی از انقلابیونی بود که به هیئت نجات ملی پیوست، و این عملیات شهادت طلبانه را انجام داد. نام احمد قصیر تا زمان عقب نشینی اسرائیل از بخش وسیعی از جنوب لبنان و به علت سکونت همه افراد خانواده و بستگان او در جنوب چند سال پنهان مانده بود. ■



شد که توده مردم جنوب از احزاب چپ‌گرای لبنانی و برخی جناح‌های جنبش مقاومت فلسطین متغیر شوند. اسرائیل نیز از این درگیری‌ها و از جو متشنج جنوب بهره برداری کرد و به لبنان یورش آورد. اعضا و هواداران احزاب یاد شده و نیروهای فلسطینی که انواع اسلحه در اختیار داشتند و در محورهای جنوب مستقر بودند، در برابر پیشروی نظامیان اسرائیل، اسلحه‌شان را زمین گذاشتند و از جنوب فرار کردند.

از سوی دیگر اهالی روستاهای جنوب اسلحه در اختیار نداشتند. زیرا احزاب لبنانی و گروه‌های فلسطینی به مردم اجازه حمل اسلحه نمی‌دادند، مگر در برخی روستاهای خصوصی که نزدیک مرز فلسطین اشغالی قرار دارند. بنابراین مردم نتوانستند در برابر یورش اسرائیلی‌ها مقاومت کنند. مردم شوکه شده بودند. ولی پس از گذشت حدود یکماه از حالت شوک و سردرگمی به هوش آمده، و دیری نپایید که عملیات مقاومت با رهنمودهای روحانیون و شخصیت‌های بزرگ شیعی بر ضد اشغالگران صهیونیست آغاز شد. مردم در اولین روزهای تجاوز اسرائیلی‌ها به لبنان با سنگ و چوب و روغن جوشیده به آنان حمله می‌کردند. ولی پس از گذشت چند ماه شیوه جدیدی در عملیات

اولین عملیات شهادت طلبانه توسط شهید احمد قصیر در سال ۱۹۸۲ در شهر صور انجام شد. در این حمله مرکز فرماندهی نظامیان صهیونیست منفجر شد و حدود ۱۲۰ تن از افسران و درجه داران و کوماندوهای ارتش اسرائیل کشته شدند.

شمال فلسطین اشغالی در اشغال خود نگه داشت. مردم جنوب لبنان وظیفه خود می‌دانستند برای آزادسازی سرزمین‌های اشغال شده‌شان با اسرائیل بجنگند، که در پی این تصمیم گروه‌های مقاومت شکل گرفتند. ولی حمله سال ۱۹۸۲ بسیار گسترده بود و نظامیان اسرائیل تا بیروت پیشروی کردند.

چرا پیشروی اسرائیل تا بیروت با هیچ مقاومتی روبرو نشد؟

چند هفته قبل از یورش اسرائیل، در جنوب لبنان میان نیروهای جنبش اصل و برخی گروه‌ها و سازمان‌های فلسطینی درگیری‌های خونین روی داد. فلسطینی‌ها با همکاری شبه نظامیان برخی احزاب چپ‌گرای لبنانی به روستاهای جنوب لبنان یورش بردند و ساکنان برخی این روستاها را قتل عام کردند.

گفته شده که عوامل اسرائیل به این درگیری‌ها دامن زدند تا زمینه یورش به لبنان را هموار کنند. این گفته تا چه اندازه واقعیت دارد؟

این تحلیل درستی است! پس از یورش اسرائیل به لبنان، به روشنی مشخص شد که عوامل دامن زدن به درگیری‌ها و حمله‌های فلسطینی‌ها به روستاهای امن و بی‌دفاع جنوب، به صف مزدوران و گروه‌های شبه نظامی اسرائیل مستقر در کمربند امنیتی پیوستند. نشان داد که این عوامل ضمن فعالیت در پوشش نیروهای مقاومت فلسطین و احزاب جنبش ملی و احزاب چپ‌گرا، برای اسرائیل هم جاسوسی می‌کرده‌اند. این درگیری‌ها سبب

